

هدایت^۱

فطرت و محیط

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا﴾.^۲

(این قرآن به روش و حیاتی که به راستی مستقیم‌تر و پابرجاتر است راه می‌نماید و به ایمان‌آوردگانی که اعمال شایسته به جا می‌آورند مژده می‌دهد که آنان را پاداش بزرگی است).

قرآن؛ منبع هدایت بشر

این بحث در مقدمه تفسیر^۳ هم آمده است، ولی در آنجا جامع نیست. قرآن کریم کتابی است از مبدایی بالاتر از فکر و عقل بشر. همان‌طور که شب جمعه قبل عرض کردم، قطع نظر از ایمان و عقیده دینی، قرآن از نظر تاریخی هم کتاب مهمی است؛ هم از نظر سابقه، هم از نظر تحولات اجتماعی و فکری که ایجاد کرده است، هم از نظر محفوظ ماندنش و هم از جهت ضبط و سندیت تاریخی‌اش. از هر جهت اهمیت دارد و البته از همه مهم‌تر همان آثار عظیمی است که این کتاب تا به حال در دنیا داشته است، به خصوص برای ما مسلمانان عقب‌افتاده امروز و کشورهای دنباله‌رو از نظر علوم و صنایع و خودباخته که نه تنها ثروت‌های مادی، بلکه عقل خود را هم باخته‌اند. که این منتهای باختن است!

۱. این سخنرانی در مورخ ۱۳۴۳/۶/۲۶ در زندان قصر ایراد شده است.

۲. «قطعاً این قرآن به [آینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود». اسراء (۱۷)، ۹.

۳. نکه تفسیر پرنوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۳، ۱، صص ۱-۲۲.

متأسفانه، مسلمانان روشنفکر و فهمیده، در تمام ممالک اسلامی، درباره هر چیزی به گفته‌های اروپاییان استناد می‌کنند و با چشم آنان حقایق را می‌بینند. تصور این طبقه این است که قرآن کتابی تشریفاتی است و البته عملاً می‌بینیم که تشریفاتی هم شده است، زیرا تنها در مجالس فاتحه و ختم و سر قبر اموات خوانده می‌شود، البته گاهی هم قسم‌های دروغ به آن می‌خورند!

اشکال بزرگ‌تری که در کار ما ایرانیان هست، حجابی است که بین ما و قرآن از جهت زبان وجود دارد که باعث می‌شود حقیقتش را دیرتر درک کنیم. از طرف دیگر، افکار و نظریاتی که هر روز از دنیای خارج می‌آید و تحیری که برای همه ایجاد می‌کند، به مسلمانان عملاً می‌فهماند که قرآن در این دنیا هیچ صیغه‌ای نیست و به کار علم و فن و صنعت و علوم اجتماعی نمی‌خورد و به اصطلاح بعضی، با عقل درست در نمی‌آید. در اینجا طبعاً این معنی به ذهن خطور می‌کند که این قرآن یا در اصل موقعیتی در جهان نداشته است، یا امروز موقعیتی ندارد. ولی آیا مطلب همین است؟ برای پاسخ به این سؤال یا شبهه، نخست باید تحلیل کنیم و ببینیم که اساساً خواست انسان و مطلوب و مقصود غایی او در زندگی چیست؟

انسان نیازمند چیزهایی است؛ مثلاً غذا و مسکن و لذاتی هم علاوه بر آن‌ها. آیا خواست انسان به همین جا ختم می‌شود، یا مطلوب انسان ریشه‌دارتر و عمیق‌تر از این‌هاست؟ دقت در ساختمان بدنی انسان نشان می‌دهد که با سایر حیوانات و موجودات زنده خیلی فرق دارد. وقتی نوزاد حیوان از تخم بیرون می‌آید یا متولد می‌شود، برای زندگی کردن و راه رفتن باید بداند و اگر آن را نداند از بین می‌رود؛ همچنین غذا خوردن، شکار کردن، شناخت دشمن و دفاع از خود و مانند آن‌ها را باید بداند. این‌ها را هدایت حیوانات می‌گویند. این هدایت را غریزه حیوانات بر عهده دارد. برای ادامه بقا و حیات حیوان، غریزه آن‌ها پیوسته تقویت می‌شود. بنابراین، این را هدایت غریزی هم گفته‌اند. بشر از بعضی جهات با حیوانات شریک است. مثلاً در موقع تولد، مکیدن را کسی به نوزاد انسان یاد نمی‌دهد؛ یا نالیدن و فریاد زدن در مقابل ناراحتی را خود طفل می‌داند. این غریزه تا حدی راه می‌نماید، ولی کافی نیست. انسان گرفتاری بزرگ‌تری دارد که آن عقل است. عقل اختیار را از غریزه می‌گیرد، ولی خودش هم قدرت تشخیص ندارد و برای انسان تکلیف پیش می‌آورد: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ

أَشَقَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا^۱ حیوانات با یکدیگر اختلاف ندارند، ولی دو تن از افراد آدمی، نمی‌توانند یکسان فکر کنند. بشر مختار و آزاد است و مانند حیوان، محکوم و مقهور طبیعت و غریزه نیست. اما چون اختیار دارد، هیچ حدی برای غرایزش قائل نیست. وقتی که اختیار عقل دست بشر باشد، آن را منحرف می‌کند و به زیان خود و اجتماعش به کار می‌برد. حتی عقلای بشریت هم همین‌طورند؛ یعنی دو تن از آنها نیست که مانند هم فکر کنند و گاه گفته یکی ضد گفته دیگری است.

پس، لازمه زندگی بشر چیست؟ لازمه زندگی او، پیش‌تر و بالاتر از هر چیز، هدایت است. قدرت و هدایتی که او را در تمام طرق زندگی و در تمام شعب زندگی مادی و معنوی‌اش راهنمایی کند. عقل تا حدی هدایت می‌کند. مصلحان دنیا و تجربیات بشری تا حدی حقایق را می‌فهمند، ولی کافی نیست. تنها انبیا هستند که به طور کامل رهبری می‌کنند.

در اینجا دو سؤال مطرح است: آیا بشر به هدایت احتیاج دارد؟ و دیگر آنکه آیا خود بشر می‌تواند راه هدایت را تشخیص دهد و با عقل خود آن را بشناسد؟ اگر می‌تواند، پس این همه اختلاف از کجاست؟ پاسخ این است که چون بشر نیازمند هدایت است و خود نمی‌تواند هدایت خویش را عهده‌دار شود، به راهنما و هدایت‌کننده‌ای مافوق خود احتیاج دارد. عقل، که آن را هادی می‌پندارند، در کوران شهوات و خشم‌های انسان، چراغی کم‌نور و سوسویی از دور بیش نیست.

اما این هدایت از کجا ناشی شود و از چه منبع؟ ﴿إِنَّ هَذَا أَقْرَبَ أَنْ يَهْدِيَ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيَسِّرَ لِّلْمُؤْمِنِينَ الْدِّينَ يَعْمَلُونَ لِنَالِهِمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ این قرآن است که در هر چیز راهنمای توست و تو را به آینده امیدوار می‌کند. زیرا باید دانست که یکی از بدبختی‌های بشر نومیدی است.

هدایت بشری قسمی غریزی است و قسمی فطری. قرآن بر فطرت تکیه دارد، زیرا فطرت از لحاظ تعلیم و تربیت بسیار مهم است. فطرت یعنی خواسته‌های اولیه، دست‌نخورده و منحرف‌نشده بشر. به آنچه بشر با فطرت خود درمی‌یابد «فطریات» گفته می‌شود. عقل بسیط انسان با آنکه در ابتدای تولد هیچ درک نمی‌کند، ولی دو مطلب را

۱. «ما ائت [الهی و بار تکلیف] را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [لی] انسان آن را برداشت؛ راستی او ستمگری نادان بوده. احزاب (۳۳)، ۷۲.

فطرتاً می‌فهمد: اول آنکه محتاج است؛ و دوم آنکه مبدأ بی‌نیازی هست که به داد او برسد و از او دستگیری کند: بشر فطرتاً وسیله‌ای در اختیار دارد که با آن نیاز خود را اعلام کند. و آن ناله و استغاثه است. دعا مرحله‌ی رشدیافته‌ی همین استغاثه‌های فطری بشری است.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۱ بقاطلبی در فطرت بشر است. بشر به حسب فطرت، زندگی خود را همیشگی می‌داند و همیشگی می‌طلبد. این فطرت قدری که تعالی پیدا کرد، به صورت عقل درمی‌آید و می‌خواهد محرکات فطری را با عقل دریابد. اینجاست که راه‌ها مختلف می‌شود. «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، ثُمَّ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ وَ يَمَجْسَانِهِ»^۲.

پدر و مادر و محیط است که انسان را تربیت می‌کنند و بار می‌آورند؛ چنان‌که بعد هم که بالغ شد، نمی‌داند چرا این راه خاص و نه راه دیگری را اختیار کرده است. همین‌که پای عقل و تشخیص به میان آمد، محکوم و همرنگ محیط می‌شود و نمی‌تواند آزاد فکر کند. از این‌روست که به اختلاف محیط، اختلاف طرق پیش می‌آید.

چنان‌که گفتیم، انسان فطرتاً خود را باقی می‌داند، ولی عقل به او می‌فهماند که می‌میرد. پس، از چه راه بقایش را تأمین کند؟ هر کس مایه بقا را در چیزی می‌بیند. یکی در پول، دیگری در ساختمان و عده‌ای در چیزهای دیگر. هیچ‌کس نیست که عقیده به بقا نداشته باشد؛ اختلاف فقط در راه رسیدن به آن است. انبیا آمده‌اند با هدایت همین حس بقاطلبی بشر را به معاد یادآور شوند. آن‌ها، از همین‌رو می‌خواهند شهوات آدمی را متعادل کنند. چه هر میل و شهوتی در انسان که متعادل نباشد باعث بدبختی است؛ نه کم آن درست است نه زیاد آن. پس، دین و کتاب، یعنی قرآن، می‌تواند بشر را هدایت کنند. باید به یاد داشت که بشر ناگزیر از داشتن دین است. اگر دینی آسمانی نپذیرفت، دینی زمینی می‌جوید. اگر خدا را نپرستد، بت، خورشید، پیشوا، بشر، پول، جاه، و... را می‌پرستد. این است که شب و روز باید گفت: ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾. این دعا جامع همه دعاهاست. میلیون‌ها مسلمان

۱. «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است». روم (۳۰)، ۳۰.

۲. «هر کس بر فطرت زاده می‌شود؛ سپس پدر و مادر او، او را یهودی یا مسیحی یا زرتشتی می‌گردانند». قسمت اول این روایت از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، نک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، اسلامیة، تهران، ج ۳، کتاب التوحید، ص ۲۷۹، حدیث ۱۱؛ اما جای دیگر در همان، ص ۲۸۱: کل مولود... حتی یكون ابواه یهودانه و یمنرانه.

در شبانه‌روز در سراسر جهان این دعا را می‌خوانند. در هر چیز، اعم از زندگی روزمره، معاشرت، مال، پرستش خدا، باید گفت: **«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»**. و این سرّ سعادت بشر است که جز خدا را نپرستد.

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» این پاسخ به ندای فطرت است و سائق فطرت برای تأمین بقا. **«وَيُشْرُ الْمُؤْمِنِينَ»** راه رسیدن به بقا را به روی انسان باز می‌کند. **«الَّذِينَ يَغْمِلُونَ الصَّالِحَاتِ»** آنان که حساب کار را می‌کنند و کوشش بیهوده به کار نمی‌برند **«أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»** کارشان بی‌نتیجه و پاداش نخواهد ماند.

این همان کاری است که قرآن انجام می‌دهد.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

توجه: این کتابخانه آنلاین، به منظور تسهیل دسترسی به منابع علمی و پژوهشی، به صورت رایگان در دسترس قرار داده شده است. برای استفاده از این کتابخانه، لطفاً به آدرس www.talqani.com مراجعه فرمایید. همچنین، برای دریافت اطلاعات بیشتر، می‌توانید با شماره [021-88888888](tel:021-88888888) تماس بگیرید. این کتابخانه، به منظور حمایت از حقوق مؤلفان و ناشران، به صورت قانونی و با رعایت کلیه مقررات، گردآوری شده است. برای استفاده از این کتابخانه، لطفاً به آدرس www.talqani.com مراجعه فرمایید. همچنین، برای دریافت اطلاعات بیشتر، می‌توانید با شماره [021-88888888](tel:021-88888888) تماس بگیرید.